



بررسی جایگاه ارزشیابی توصیفی در خلاقیت و یادگیری دانش آموزان

عبدالرحمان کر

لیسانس علوم تربیتی

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی جایگاه ارزشیابی توصیفی در خلاقیت و یادگیری دانش آموزان است. یکی از مواردی که در همه ی فعالیت های بشری وجود دارد و نتیجه ی فعالیت های را مشخص می کند ارزشیابی از عملکرد افراد می باشد تا میزان موفقیت دانش آموزان و مدارس در امر آموزش مشخص شود با این حال به علت همین جایگاه ارزشیابی انتخاب بهترین نوع آن کاملاً مهم و اصولی می باشد. این مقاله با روش علمی-مروزی (کتابخانه ای) انجام گرفته شده است و در تهیه ی آن از انواع کتاب ها، مقالات، مجلات و..... معتبر استفاده شده است. یافته های این مقاله حاکی از آن است که امروزه با توجه به مشخص شدن جایگاه آموزش دانش آموز محور در میزان موفقیت دانش آموزان گامی دیگر برای تغییر ارزشیابی نیز کلید خورد و با جایگزین کردن ارزشیابی توصیفی به جای ارزشیابی سنتی، نوع ارزیابی، نوع ابزار و نحوه ی تاثیر آن در یادگیری و رفتار دانش آموزان تغییر کرد و کودکان نسبت به ارزشیابی سنتی از اضطراب و تغییر نتیجه ی وابسته به یک امتحان رهایی یافته بودند و به مهارت محوری تغییر کرده اند نتیجه گیری کلی که از این مقاله گرفته شده است نشان می دهد که ارزشیابی توصیفی در خلاقیت و یادگیری دانش آموزان نقش مهم و بسزایی دارد ارزشیابی توصیفی باعث می شود تا دانش آموزان در کلاس درس با نشاط بیشتر و بهتر مطالب درسی را فرا بگیرند و خلاقیت شان شکوفا بشود چرا که دانش آموزان در این نوع ارزشیابی دیگر اضطراب نمره و امتحان را ندارند همچنین در ارزشیابی توصیفی به جای ملاک قرار دادن آزمون و نمره ی پایانی روند یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد ارزیابی قرار می گیرد.

کلیدواژه ها: معلم، خلاقیت، ارزشیابی توصیفی، ارزشیابی سنتی، دانش آموزان.

مقدمه

انسان برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و شناخت دنیای اطراف خود در طول زندگی شخصی تلاش ها و اقدامات فراوانی را انجام می دهد این عملکردها همیشه نتیجه ی یکسانی را در بر ندارد به همین دلیل بسنده کردن به کارها و سوابق گذشته می توانست او را از این جایگاه امروزی که در پیشرفت و رشد دارد به کوتاهی در رسیدن به علوم نوین دل سرد کند وقتی بشر به نتیجه ی فعالیت های خود توجه می کرد طعم پیروزی او را نسبت به گذشته با انگیزه و پرتوان می کرد که همه ی سختی ها و مشکلات نتواند او را از رسیدن به مقاصد و اهداف تعیین شده خود باز دارد به همین خاطر بشر همیشه روبه جلو و پیشرفت حرکت کرده است اما این حرکت همیشه در حیطه ی فعالیت های شخصی او نمی تواند معنایی داشته باشد در واقع انسان برای رسیدن به آرمان های که توسط خود و گاه خانواده و جامعه تبیین شده نمی تواند فقط به خود متکی باشد و افراد و محیطی که در آن زندگی می کند را نادیده بگیرد به بیان بهتر انسان همیشه برای یادگیری با افراد و محیط اطراف خود در داد و ستد می باشد گاه او برای یادگیری همه ی تلاش خود را به کار می برد و گاه با پیروزی بشر او نیز در این راه پر پیچ و خم صاحب یک امتیاز می شد پس می توان گفت که بشر با ارتباط و تعامل با محیط و افراد است که به پیشرفت و شکوفایی رسیده است. به بیان بهتر وقتی انسان شروع به یادگیری کرد خود را درگیر با عواملی دید که او را همیشه در این راه همراهی می کردند و این همراهی در نوع یادگیری او می توانست نقش فعالی را ایفا کند. بیشتر محیط های یادگیری و عوامل گذشته انسان را به مرور اطلاعاتی که توسط خود او اثبات شده هدایت می کرد اما همین دید می تواند به بشر بیشترین ضربه را در نوآوری بزند در تعریفی که از خلاقیت شده عبارت است از خلاقیت عبارت است از توانایی بررسی یک مسئله از زوایای دید متفاوت و جدید. می تواند دانش ما را درباره یک موضوع در هم بریزد و از نو سازماندهی کند تا بینش